

نقش نظام پولی در ایجاد وحدت ملی در دوره هخامنشی: یک مطالعه مقدماتی

دکتر طاهره عزیزی پور

استادیار گروه باستان شناسی دانشگاه آزاد واحد مرودشت

tazizipoor@yahoo.com

(تاریخ دریافت ۱۸/۲/۱۳۹۱ تاریخ پذیرش ۱۰/۵/۱۳۹۱)

چکیده

ایجاد وحدت ملی در یک قلمرو سیاسی سالهای سال است که مورد توجه محققان علوم اجتماعی قرار گرفته و پژوهشهای زیادی نیز در این مورد انجام شده است. محققان تاکنون عوامل زیادی را که در شکل گیری وحدت قومی موثر بوده مورد بررسی قرار داده اند؛ اما نقش اقتصاد و نظام پولی در ایجاد وحدت قومی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

هخامنشیان به عنوان بنیانگذاران نظام سیاسی منسجم در ایران، توانستند نظام پولی منظمی را در قلمرو خود ایجاد کنند. در این نظام پولی منظم سکه های طلا و نقره در تمام طول حکومت هخامنشی و حتی بعد از آن بدون آنکه تغییری در وزن آنها رخ دهد، ضرب می شد.

این سکه ها که در تمام مناطق قلمرو هخامنشی با وزنی ثابت ضرب می شد، باعث یکپارچگی در داد و ستد و در نتیجه یکپارچگی اقتصادی شد. بعلاوه داد و ستد در میان قلمرو وسیع هخامنشی باعث تبادلات فرهنگی در سراسر قلمرو آنها می شد.

در این مقاله بر آنیم تا به بررسی این نکته بپردازیم که هخامنشیان چگونه با ایجاد یک نظام پولی مشترک و وحدت اقتصادی در سراسر قلمرو خود توانستند به گونه ای از یک وحدت ملی دست یابند. در این راستا و برای رسیدن به این هدف داده های سکه شناسی مورد بررسی قرار می گیرند.

واژگان کلیدی: هخامنشیان، وحدت ملی، سکه، طلا، نقره

مقدمه

نگرشهای اجتماعی مذهبی در وحدت ملی باعث گردیده که جنبه های اقتصادی که می تواند عامل وحدت ملی گردد کمتر مورد توجه قرار گرفته است. جوامع مختلفی که دارای ساختارهای اجتماعی مذهبی متفاوت هستند داد و ستد و ارتباطات اقتصادی آنها به ارتباطات فرهنگی ختم می گردد و وحدت پولی باعث می گردد که این ارتباطات اقتصادی به وحدت فرهنگی، اجتماعی و مذهبی تبدیل گردد.

پیشینه تاریخی

مادها (۷۲۸-۵۴۹ ق م) اولین قومی بودند که شکل سیاسی منسجمی را به ایران داده و برای شکل گیری یک هویت ایرانی تلاش فراوانی نمودند. مادها اقوامی از نژاد آریایی بودند که با گسترش قدرت و نفوذ خود بر اقوام مختلف ایرانی و ایجاد پیوندی میان آنها توانستند بر سلطه بین النهرینی ها- اقوامی با هویتی غیر آریایی با زبانی متفاوت از آنچه ایرانیها بدان تکلم می کردند- خاتمه دهند، قلمرو مادها در زمان حکومتشان در شرق تا نواحی مرکزی فلات ایران و در غرب تا رودخانه هالیس (دیاکونوف، ۱۳۴۵) و در جنوب تا خلیج فارس گسترش یافته بود.

بعد از پایان حکومت مادها هخامنشیان جانشین آنها شدند. پیوند خانوادگی هخامنشیان با مادها باعث شد که انتقال حکومت از مادها به هخامنشیان بدون هیچ مشکل نظامی انجام شده و هخامنشیان بتوانند به راحتی بر قلمرو مادها تسلط یابند.

درباره هویت ملی ایرانیان تاکنون مقالات زیادی نوشته شده است. سعید زاهد (۱۳۸۴صص ۱۳۸-۱۲۹) تنها سه مولفه جغرافیای سیاسی، مذهب و زبان را عوامل ایجاد هویت ملی در ایران دانسته و اشاره ای به دیگر مولفه ها نمی کند. قرخلو (۱۳۸۰صص ۲۵-۱) عواملی فراتر از جغرافیای سیاسی را در شکل گیری وحدت ملی موثر می داند. وی بر این اعتقاد است که حوزه تمدنی و جغرافیای مجازی نیز نقش موثری را در ایجاد وحدت ملی دارا هست.

تاچیک (۱۳۷۹) محقق دیگری است که از دیدگاه جامعه شناسی به تعریف هویت می پردازد به عقیده او هویت ملی ریشه در تعلقات قومی و طایفه ای دارد. او به هویت ملی در عصر پهلوی - به عنوان زمان اوج شکل گیری هویت ملی در ایران - اشاره کرده و آن را برخاسته از مفهوم کهن ایرانشهر می داند، تعریفی که وقوع انقلاب اسلامی بعدها آن را تغییر می دهد.

علی یوسفی (۱۳۸۰) در مقاله ای به تعریف قوم و روابط بین قومی می پردازد و هویت ملی را به معنی احساس تعلق و وفاداری نسبت به عناصر و نماد های مشترک در کل جامعه تعریف می داند. او در این راستا به روابط اقتصادی بین اقوام ساکن در یک جامعه نیز به عنوان عاملی در شکل گیری هویت ملی اشاره می کند. وی در نهایت چنین نتیجه می گیرد که اجماع ملی در جامعه چند قومی ایران بواسطه مناسبات مشترک دولت با اقوام مختلف کشور ایجاد شده است.

باید دید که هخامنشیان چگونه توانستند یک انسجام ملی را در سراسر قلمرو خود به وجود آورند.

دین، زبان، خط و آداب و رسوم مشترک هر یک می توانند نقش موثری در ایجاد وحدت ملی داشته باشند. اما صحبت کردن درباره هر یک از این موارد و نقش آنها در شکل گیری وحدت ملی در روزگار هخامنشی با توجه به نقصان مدارک بر جای مانده از این دوره، کاری است دشوار. تا آنجا که مدارک تاریخی و باستان شناسی یاری می دهند باید گفت که دین واحدی در سراسر امپراطوری هخامنشی وجود نداشته و هریک از ملل تابعه در روزگار هخامنشی می توانسته اند دین خاص خود را داشته و به راحتی آیین های دینی مخصوص به خود را انجام دهند، بردباری دینی هخامنشیان از طرف بسیاری از نویسندگان و محققان تایید شده است (لوکوک، ۱۳۸۶، ۸۷). بعلاوه بسیار کمی از آزار دینی در روزگار هخامنشی به دست ما رسیده و در صحت همان مطالب کم نیز جای تردید است.

کتیبه های هخامنشی که به سه خط فارسی باستان، عیلامی و بابلی نگاشته شده اند. شاید بتوان فرض کرد که استفاده از این سه خط می توانسته یکی از عوامل ایجاد وحدت ملی در سراسر امپراطوری هخامنشی بوده باشد؛ اما در روزگاری که بخش وسیعی از جامعه از نعمت خواندن و نوشتن بی بهره بوده اند، این فرض چندان واقعی به نظر نمی رسد. اما درباره زبان؛ تا کنون مدرکی به دست ما نرسیده که نشان دهد هخامنشیان تلاش کرده باشند زبان مشترکی را در بین مردم تحت سلطه خود گسترش

هخامنشیان حکومتی را بنا نهادند که ترکیبی از ملت های گوناگون با فرهنگ های متفاوت و نظام اداری و پولی نا همگن بود، هخامنشیان با سلطه بر این ملتهای تابعه قلمرو وسیعی را تشکیل دادند که گسترده ترین قلمرو سیاسی در آن زمان بود. یقیناً اداره این قلمرو وسیع با ملتهایی گوناگون و فرهنگهایی متفاوت کاری دشوار بود، هخامنشیان با ایجاد یک نظام اداری- سیاسی و فرهنگی منسجم موفق به انجام این کار دشوار در طول سالهای متممادی حکومت خود شدند، آنها توانستند قوانین و مقررات مدونی (قرخلو، ۱۳۸۴ ص ۵۸) را به وجود آورند و از طریق آن قوانین و مقررات امکان ایجاد ارتباطی و معنوی بین تمامی ملل تابعه خود را پدید آورند (ثلاثی، ۱۳۷۹ ص ۴۲). این ارتباط مادی و معنوی سرانجام به ایجاد یک وحدت ملی در ایران آن روزگار انجامید. هخامنشیان خود را از نژاد آریایی می دانستند. آنها بارها در کتیبه های خود بر این نکته تاکید کرده اند (لوکوک، ۱۳۸۶ ص ۳۰۹، ۲۷۸، ۲۶۱). با این حال آنها از یک مشروعیت مذهبی هم برخوردار بودند. کتیبه های هخامنشی کراراً به ما می گویند که اهورامزدا حامی شاه هخامنشی و پشتیبان سلطنت اوست.

چنانکه دیدیم تعلق داشتن به قومی خاص و پیروی از مذهبی معین از جمله عوامل ایجاد هویت ملی است، البته دو عامل مذکور تنها اقوام ایرانی - آریایی - را گرد هم جمع می کرد؛ درحالیکه هخامنشیان بر اقوام غیر آریایی که مذهبی غیر از مذهب زردشتی داشتند نیز حکومت می کردند. حال

شدند. جنگهای پی در پی بین این حکمرانان محلی، باعث ضعف این دولتهای محلی شده بود. همین مساله باعث شد که کورش یکی پس از دیگری قلمرو حکومتی آنها را تسخیر کرده و به حکمرانی آنها خاتمه دهد. کورش سپس این حکومتهای محلی را جزء ملل تابعه خود در یک قلمرو وسیع سیاسی قرارداد. بعدها این ملتها و حکومتها که هر کدام دارای فرهنگی متفاوت بودند به ملتهای تابعه هخامنشی تبدیل شدند. هخامنشیان موفق شدند در بین تمام آنها یک وحدت ملی را به وجود آورند.

هخامنشیان برای اینکه بتوانند وحدت و عناصر فرهنگی مشترکی را در بین اقوام و ملل تابعه خود به وجود آورند، کوشش بسیار کردند. بدین ترتیب آنچه را از دیگر اقوام برتر و مناسبتر می دیدند، انتخاب کرده و آن را می پذیرفتند (مالوان، ۱۳۸۵، ۱۰۵)؛ حتی اگر مجبور می شدند رسمها و سنتهای پیشین خود را کنار بگذارند.

هخامنشیان برای اینکه بتوانند فرهنگ مشترکی را در بین این اقوام تابعه حاکم نمایند برای این کار به صورت گسترده ای اقدام به شکل گیری فرهنگی را نمودند که مورد قبول کلیه ملل تابعه و باعث وحدت ملی در بین آنها می گردید.

نظام پولی هخامنشی

قبل از آنکه هخامنشیان بر تخت سلطنت بنشینند شمشهای نقره ای و برنزی اساس داد و ستد در بابل را تشکیل می داد. اولین سکه در غرب آسیا در سارد و لیدیه در قرن ششم قبل از میلاد از الکتروم ضرب شد.

دهند، بعلاوه این کار از پادشاهانی که حتی تلاش نکرده اند دین مشترکی را رواج بخشند، بعید است. مسایل دیگری نیز در ایجاد وحدت قومی در روزگار هخامنشی قابل تامل است. در دوره هخامنشی یک نیروی مرکزی و قدرتمند در ایران به حکومت می رسد. این قدرت مرکزی می توانسته برای تمامی اقوام تابعه - صرفنظر از اینکه چه مذهب یا ملیتی داشته اند - بواسطه امنیت و آرامشی که ایجاد می کرده مفید بوده باشد (جوادی، ۱۳۸۰، ص ۴۷).

گذشته از تمام مطالب فوق وجود یک نظام پولی مشترک در سراسر قلمرو هخامنشی به عنوان عاملی اصلی و مهم در ایجاد وحدت ملی در دوره مورد بحث، شایسته توجه خواهد بود

سیستم منظم اداری و اقتصادی در روزگار هخامنشی نیازمند داشتن فلز (و یا قطعه فلزی) خاص با وزنی معین و شکلی مشخص بود که مورد قبول دولت باشد و دولت بتواند از طریق آن مالیات و دیگر تعهدات مالی خود را دریافت نماید. وجود چنین استانداردی در سراسر قلمرو هخامنشی باعث می شد که وضعیت در آمدهای عمومی ساده گردد. این مساله به خصوص برای دریافت مالیات و خراج ها از مناطق مختلف قلمرو سیاسی هخامنشیان بسیار مفید بود.

نظام اداری و اقتصادی هخامنشی بعدها از طرف حکومتهای یونانی و سلوکی - که بعد از فروپاشی هخامنشیان برای مدتی در ایران حکومت کردند - مورد پذیرش و استفاده قرار گرفت.

هخامنشیان در زمانی که تعداد حکمرانان ملوک الطوائفی در ایران رو به فزونی گرفته بود، ظاهر

این شمش های فلزی به عنوان وسیله ای برای داد و ستد تهاتری محسوب می شدند، بی آنکه از پشتوانه سیاسی هیچ حکومتی برخوردار باشند؛ اما هخامنشیان به جای این شمشها از سکه استفاده کردند و آن را به عنوان وسیله ای برای ایجاد وحدت مالی در سراسر قلمرو خود استفاده کردند.

کوروش بنیانگذار وحدت پولی

در زمانیکه هخامنشیان در ایران بر حکومت نشستند سکه های آتنی هم در جریان داد و ستد قرار داشت. کوروش که بنیان گذار حکومت هخامنشیان بود وقتی به تصرف قلمرو حکمران محلی می پرداخت و آن را ضمیمه حکومت خود می نمود، ساختار فرهنگی و اجتماعی آن حکومتها را تغییر نمی داد. کوروش بعد از شکست شاه لیدیه کروسس (۵۶۰-۵۴۶ ق م) به ضرب سکه طلای الکتروم در سارد پایتخت لیدیه ادامه داد. در سال ۵۴۶ ق م سارد به تسخیر هخامنشیان درآمد و هخامنشیان با تقلید از لیدیه به ضرب سکه های طلا - بعنوان وسیله داد و ستد پولی - پرداختند.

به نظر می رسد که بعد از مرگ کروسس، شاه لیدیه، سکه های او از نظر وزن کاهش یافته تا اینکه وزن جدیدی معرفی گردیده است. چنانکه مشخص است سکه های طلا و نقره هخامنشی حالت تراز داشته تا یک استاندارد پولی. در دوره هخامنشی تعداد مشخصی از سکه های نقره از نظر ارزش اقتصادی با تعداد مشخصی سکه های طلا برابر بوده اند. (Herodotus, 1904: 3.95) این سکه ها

حدود پانصد قبل از میلاد، هخامنشیان به ضرب سکه هایی از جنس طلا (دریک) و نقره (شکل) پرداختند. بر روی سکه های هخامنشی تصویری از یک تیرانداز دیده می شود. هدف هخامنشیان از ضرب این سکه ها به وجود آوردن استاندارد اقتصادی در سراسر قلمرو خود بود. بر اساس نوشته های هرودت (6.166). داریوش با ضرب این سکه ها می خواست قدرت خود را به نمایش بگذارد. در دوره هخامنشی ضرب سکه های طلا تنها در اختیار پادشاه بود و استانداران تنها اجازه داشتند که به ضرب سکه هایی از جنس نقره پردازند.

دریک و شکل سکه های تجاری بودند و در تمام قلمرو هخامنشی اعتبار داشتند. مخصوصاً سکه های طلای دریک به عنوان استاندارد از جنس طلا در بخش های غربی امپراطوری و آسیای صغیر استفاده می شدند.

چنانچه پژوهشها نشان می دهد در مناطق تحت سلطه هخامنشیان قبل از حکمرانی این قوم غیر از شمشهای فلزی، استاندارد دیگری در اقتصاد وجود نداشت بر روی این شمشهای فلزی هیچ نشان، نقش و یا مهری از یک مقام سیاسی دیده نمی شد.

در ایران تا پیش از ظهور کوروش مقیاس نسبی وزن شمش با معیارهای بابلی سنجیده می شد. از آنجایی که معاملات بر اساس تراز و موازنه صورت می گرفت، نیاز به سکه ای با وزنی معین و معیاری برای تعیین خلوص فلز وجود نداشت. چنین نظام اقتصادی که تنها بر اساس وزن فلزات استوار بود، قبل از هخامنشیان در بین النهرین و چند منطقه دیگر جغرافیایی رواج داشت. (بیوار، ۱۳۸۵ ص ۵۰۰-۱)

که داریوش علاوه بر استفاده سیاسی و تجاری به عنوان وسیله ای تبلیغاتی نیز از آن استفاده می کرده است.

داریوش و ضرب سکه:

هرودت می نویسد که کروزس - پادشاه لیدیه - اولین شاهی بود که نخستین بار به ضرب سکه از جنس طلا و نقره پرداخت (مالوان، ۱۳۸۵ص ۲۷۳) و هرودی این سکه ها را در کنار یکدیگر رواج داد. هرودت (4,166) می نویسد داریوش بعد از آنکه طلا را تا حداکثر میزانی که ممکن بود خالص کرد دستور به ضرب سکه داد. ضرب چنین سکه هایی تا زمان اسکندر ادامه یافت. سکه های دریک و شکل سکه هایی بودند که از پشتیبانی سیاسی هخامنشیان برخوردار بوده و مخصوصاً سکه های طلای دریک به عنوان استاندارد اقتصادی در نواحی غربی قلمرو هخامنشیان و در آسیای صغیر به کار گرفته می شدند (Ghirshman, 1989: 181) این سکه ها بعدها توسط بانکداران (Burns, 1927: 83) سورشارژ می گردیده است.

هخامنشیان تعدادی سکه های طلا را نیز برای اهداف نظامی ضرب کرده اند. هخامنشان با اهداف نظامی به سکه های اطراف دریاچه اورال کمک مالی می کرده اند؛ این کمک های مالی از طریق سکه های طلای هخامنشی در اختیار سکاها قرار می گرفت.

سکه های سلطنتی هخامنشی نه منحصر به فرد بوده است و نه وسیله داد و ستد جهانی. اکثر سکه های هخامنشی به همراه سکه های شمشی پیدا شده است.

همچنین جهت پرداخت حقوق به سربازان هخامنشی و تجارت استفاده می شده است.

شاید در زمان سلطنت کورش - بنیانگذار حکومت هخامنشیان - سکه های سبک کروسس همچنان در قلمرو هخامنشیان ضرب می شده تا آنکه بعد از مرگ کورش، داریوش اقدام به ضرب سکه به نام دریک کرد. این موضوع باعث شده که مورخین عهد باستان به اشتباه افتاده و معتقد باشند که قبل از داریوش در قلمرو هخامنشیان سکه ای ضرب نمی شده و یا اینکه دریک اولین سکه های طلای هخامنشی با نام ایرانی است که توسط داریوش معرفی گردیده تا جایگزینی برای سکه های لیدیه باشد.

مورخین باستانی معتقدند که نام دریک (سکه طلای هخامنشی) از نام داریوش اول (Herodotus, 1904, 4.166, 7.28) مشتق شده که برای اولین بار به ضرب این سکه پرداخته است. ولی محققین عصر جدید معتقدند که منشاء نام دریک را باید در فارسی باستان جستجو کرد که بعداً با نام داریوش آمیخته شده است. این سکه در تمام طول دوره هخامنشی ضرب می شد.

به نظر می رسد که تصویر کماندار بر روی سکه های هخامنشی همان شاه هخامنشی باشد (Stronach, 1989: 266) این تصویر بر سکه های جانشینان هخامنشیان همچون اشکانیان نیز به صورت کمانداری نشسته بر تخت دیده می شود. بعدها بر سکه هاس ساسانی نیز چنین تصویری قابل رویت است. استفاده از این تصویر تا دوره اسلامی همچنان رواج داشته است. دریک سکه طلای هخامنشی است

در عصر کلاسیک سکه های یونانی هم از نظر زیبایی و از نظر فنی به اوج شکوفایی خود رسید. در این زمان بر روی سکه های یونانی تصاویر خدایان دیده می شود و سکه ها دارای نوشتار می شوند. معمولاً نام شهری که این سکه ها را ضرب می کردند بر روی آنها دیده می شود. سکه های هخامنشی بر خلاف این سکه هاست. چنانکه شرح داده شد سکه های طلای هخامنشی تنها از طرف شخص پادشاه ضرب می شده است.

در یونان تا عصر هلنی- زمان اسکندر - سکه ها دارای استاندارد های متفاوتی بود. اسکندر با تقلید از نظام اقتصادی هخامنشیان برای اولین بار در یونان گونه ای از وحدت پولی را به وجود آورد. این وحدت پولی در سراسر قلمرو اسکندر وجود داشت و اسکندر به خوبی می توانست از آن به عنوان وسیله ای برای ایجاد وحدت ملی در قلمرویی که ساکنانش را افرادی با ملیتهای گوناگون تشکیل می دادند استفاده ببرد. برای رسیدن به این اهداف بود که اسکندر به هم تراز نمودن سکه های ضربخانه های مناطق تصرف شده خود پرداخت.

نتیجه:

قبل از به قدرت رسیدن هخامنشیان در ایران، مادها در بخشهای وسیعی از این سرزمین حکومت می کردند. مادها اگرچه موفق به شکست آشوریان شدند؛ اما به جز بخشهایی از بین النهرین حکومت آنها در خارج از ایران چندان گسترش نیافت. حکومت مادها در شرق نیز تنها تا بخشهایی از نواحی مرکزی فلات ایران می رسید. قبل از مادها نیز حکمرانان

چنانکه مشخص است سکه های هخامنشی بعنوان نظام پولی در بین عامه مردم جامعه از عمومیت برخوردار نبوده است. هخامنشیان بخشی از خراج خود را به صورت کالا و اجناس دریافت می کرده اند؛ اما با این حال سکه های هخامنشی بین دولتهای تحت سلطه آنها در سراسر قلمرو وسیعشان به عنوان یک استاندارد اقتصادی مشترک عمل می کرده است.

بحث:

در ایجاد وحدت ملی در طول دوره های مختلف عوامل متعددی قابل توجه است (نمودار ۱) عواملی همچون وجود عناصر فرهنگی مشترک (خط، زبان، دین و...) حوزه تمدنی و نژاد مشترک از عوامل ایجاد وحدت قومی به حساب می آیند. اما با توجه به آنچه پیش از این ذکر شد صحبت کردن درباره نقش هر یک از عوامل فوق در ایجاد وحدت ملی در روزگار هخامنشی با اما و اگرهای فراوان همراه است. برای مطالعه وحدت ملی در دوره هخامنشی عوامل خاصی بیش از دیگر عوامل مورد توجه قرار می گیرند (نمودار ۲) از بین این عوامل خاص اقتصاد و نظام پولی عاملی تاثیرگذار در شکل گیری وحدت ملی در دوره هخامنشی به حساب می آید.

در یونان عهد عتیق هر شهری جداگانه برای خود به ضرب سکه می پرداخت تعداد این شهرها در آن دوره حدوداً به هزار شهر می رسید. این شهرها خود گردان بوده و واحد پولی یک شکلی در بین آنها رایج نبوده است. تبادل پولی نیز فقط در بین شهرهای خاصی صورت می گرفته که با یکدیگر در ارتباط بوده اند.

ثلاثی، محسن، ۱۳۷۹، جهان ایرانی و ایران جهانی. تهران: مرکز.

دیاکونف، م، ۱۳۴۵، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، تهران، نشر امیر کبیر.

زاهد، ۱۳۸۴ سعید، هویت ملی ایرانیان، فصلنامه راهبرد یاس، شماره ۴، صص ۱۲۹-۱۳۸.

قرخلو، مهدی، ۱۳۸۰، حوزه جغرافیایی تمدن ایرانی، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۷، بهار، ۱-۲۵.

قرخلو، مهدی، ۱۳۸۴، حوزه جغرافیایی فرهنگ و تمدن ایرانی. چاپ شده در مجموعه مقالات، فرهنگ و هویت ایرانی به کوشش مریم صنیع اجلال. تهران: نشر تمدن ایرانی.

لوکوک، پیر، ۱۳۸۶، کتیبه های هخامنشی، ترجمه: نازیلا خلخالی، تهران، نشر و پژوهش فرزانه روز مالوان، ماکس، ۱۳۸۵ کورش بزرگ، تاریخ ایران دوره هخامنشیان، ترجمه: مرتضی ثاقب فر، جمع آوری کننده ایلیا گرشویچ، تهران. انتشارات مهتاب یوسفی، علی، ۱۳۸۰، روابط بین قومی و تاثیر آن بر هویت اقوام در ایران تحلیلی ثانویه بر داد های یک پیمایش ملی، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۸، تابستان. صص ۱۱-۶

محلی متعددی در بخشهای مختلف ایران حکم می رانند. هخامنشیان اولین حکومتی بودند که علاوه بر آنکه تمامی سرزمین ایران را تحت سلطه خود در آوردند، حکومت خود را به خارج از مرزهای ایران نیز گسترش دادند. قلمرو هخامنشیان از شمال به بخش جنوب روسیه کنونی، از شرق به رودخانه سند در پاکستان کنونی و در غرب به مصر می رسید. شبه جزیره عربستان و و بین النهرین نیز در قلمرو گسترده هخامنشی جای می گرفتند. هخامنشیان برای اداره حکومت در چنین قلمرو وسیعی ناگزیر از ایجاد وحدت ملی بودند. وحدت ملی در سراسر دوره هخامنشی باعث دوام و ثبات این حکومت گردید.

هخامنشیان با استفاده از وحدت پولی و ایجاد نظام پولی منسجم در سراسر قلمرو خود به وحدت اقتصادی دست یافتند. وحدت اقتصادی در قلمرو هخامنشیان باعث تسهیل تجارت در بین اقوام مختلف این قلمرو گردید. تجارت عامل موثری در ایجاد ویژگی های فرهنگی مشترک محسوب می شود. به این ترتیب نظام پولی مشترک و وحدت اقتصادی باعث ایجاد وحدت ملی در قلمرو هخامنشی گردید.

منابع:

بیوار، ا.د.ا. ۱۳۸۷، سکه های هخامنشی؛ وزن و اندازه های آنها، تاریخ ایران دوره هخامنشیان، به ایلیا گرشویچ، سرپرستی، مترجم مرضی ثاقب فر، انتشارات جامی

Burns, *Money and Monetary Policy in Early Times*, New York, 1927; repr. New York, 1975

Ghirshman, R. 1954, *Iran from the Earliest Times to the Islamic Conquest*, Harmondsworth.

Stornach, D.1989, Early Achaemenid
coinage, Perspective from the home land,
Iranica Antiqua, 24,

Herodotus, 1904 Historia, Book 4, 166, 28.
Translated by G.Rawilson, London

